

خبر

مقبولیت وارن در میان دموکرات‌ها

● از آنجا که نگرانی‌ها درباره شیوع کووید-۱۹ و وضعیت اقتصادی آمریکا اکنون به موضوعاتی مهم برای رای‌دهندگان تبدیل شده است، تخصص اقتصادی و مهارت‌های مدیریت بحران از معیارهای اصلی است که رای‌دهندگان دموکرات می‌خواهند حتی بیشتر از تجربه‌های اجرایی یا قانون‌گذاری در انتخاب معاون رئیس‌جمهور حزبشان در نظر گرفته شود. به گزارش سی‌بی‌اس نیوز، این معیارها برای دموکرات‌هایی که بسیار نگران ازدست‌دادن مشاغل خود یا مبتلاشدنشان به کووید-۱۹ هستند، حتی حائز اهمیت‌تر می‌شود.

نتایج نظرسنجی جدید سی‌بی‌اس نیوز نشان می‌دهد ۷۱ درصد رای‌دهندگان دموکرات آمریکایی می‌گویند الیزابت وارن باید به سمت معاون رئیس‌جمهور انتخاب شود. بر اساس نتایج این نظرسنجی، او با فاصله زیاد از دیگر گزینه‌های احتمالی برای این سمت قرار دارد: الیزابت وارن با ۳۶ درصد آرا به‌عنوان گزینه نخست در این فهرست قرار دارد و پس از او، کاملا هریس با ۱۹ درصد، استیسی ایرامز با ۱۴ درصد و ایمی کلویشار با ۱۳ درصد به‌ترتیب در جایگاه‌های بعدی قرار دارند.وارن برای این سمت در اولویت نخست انتخاب بین دموکرات‌های سفیدپوست و لیبرال‌ها قرار دارد. او همچنین در بین کسانی که می‌گویند تخصص اقتصادی یک معیار اصلی است، گزینه بسیار مطلوبی است.الیزابت وارن همچنین به‌ویژه مورد توجه دموکرات‌هایی قرار دارد که می‌گویند به زاید، نامزد نهایی دموکرات‌ها در انتخابات ۲۰۲۰، باید یک معاون لیبرال یا ترقی‌خواه را انتخاب کند، اما حتی کسانی هستند که ترجیح می‌دهند معاون رئیس‌جمهور یک مرد میانه‌رو باشد.میشل اوباما، همسر باراک اوباما، رئیس‌جمهوری سابق آمریکا، در این فهرست احتمالی برای سمت معاون رئیس‌جمهور از حزب دموکرات قرار ندارد. همچنین تا دیروز تصور می‌شد دو نامزد نهایی در گردونه انتخابات باقی مانده‌اند؛ یعنی از حزب دموکرات، جو بایدن، معاون رئیس‌جمهور سابق و از حزب جمهوری‌خواه، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور کنونی آمریکا. اما روز گذشته، یک عضو مستقل کنگره آمریکا از ایالت میشیگان به نام جاستین آماش به این جمع اضافه شد. او به خودش قیلا از اعضای حزب جمهوری‌خواه بود و به استیضاح دونالد ترامپ رای مثبت داده بود، حالا برای حزب لیبرترین نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری شده است.

افشاکری الجزیره از وضعیت زندان زنان عربستان

● شبکه الجزیره فیلم مستندی با عنوان «زنان زندانی در بازداشتگاه ذهبان» منتشر کرد که به وضعیت حقوقی، انسانی و اجتماعی زنان سعودی، به‌ویژه فعالانی که بدون اتهامات جدی بازداشت شده‌اند، می‌پردازد.به گزارش ایسنا، به نقل از شبکه الجزیره، در این فیلم زنان و مردان فعالی که بازداشت شده بودند اتهامات وارده را تکذیب کردند و درباره روش‌های شکنجه‌ای که علیه آنها استفاده شده بود، توضیح دادند. در این فیلم با یمنی دیسای، از زنان بازداشتی سابق در عربستان که یکی از شاهدان عینی وضعیت زندانیان ذهبان بوده، مصاحبه شده است. زندان ذهبان به زنان بازداشت‌شده اختصاص دارد. او با تعدادی از این زنان دیدار و گفت‌وگو کرده و جزئیات زندان را با نقاشی ارائه کرده است.

شکنجه و آزارواذیت جسمی

یمنی دیسای نقل می‌کند که او مشغول تدریس بوده که تماشای از اداره دانشگاه حائل دریافت می‌کند. به او اطلاع می‌دهند که مشکلی در ویزایش به وجود آمده و باید به دفتر گذرنامه مراجعه کند. اما به محض اینکه دانشکده را ترک می‌کند، می‌بیند که نیروهای امنیتی منتظر او هستند. این نیروها او را به منزلش برده و آنجا را بازرسی می‌کنند. بعد به دفتر اصلی امنیت حائل منتقل کرده و بعد به زندان ذهبان می‌برند. او می‌گوید: به افراد بیگانه اجازه تماس‌های بین‌المللی نمی‌دهند، برای همین من سه سال که در بازداشت بودم، هیچ تماسی با خانواده‌ام نداشتم. سحر الفیفی، دیگر فعال عربستانی گفت: آنها از یکی از بازداشت‌شدگان درحالی‌که

برهنه بود عکس گرفتند و بعد عکس او را روی میز بازجویی گذاشتند تا به زور او اعتراف بگیرند. برخی از بازداشت‌شدگان درحالی‌که در غل‌ونجیر بودند مورد آزار و اذیت جنسی قرار می‌گرفتند.روندی دیکسون، وکیل بین‌المللی حوزه حقوق بشر گفت: قوانین به کار گرفته‌شده برای محاکمه بازداشت‌شدگان در عربستان مهم و نامشخص هستند، به همین دلیل می‌توانند از آن برای توجیه انجام هر کاری و هر مجازاتی که دوست داشته باشند سوءاستفاده کنند. حصة الماضي، فعال سعودی می‌گوید زمانی که به سوئد پناهنده شده، توانسته داستان پیگرد خود و نقض‌های صورت‌گرفته در عربستان را بنویسد، همان‌طور که با نهادهای بین‌المللی همکاری می‌کند. این در حالی است که بارها به واسطه اسامی مستعار به بازگشت اجباری به عربستان و قتل تهدید شده است.

با شیوع ویروس کرونا و اثرات منفی آن بر اقتصاد ایالات متحده، موضوع تغییر شکل تعهدات آمریکا در قبال متحدان، مورد توجه تحلیلگران قرار گرفته است. از سوی دیگر اختلاف‌های واشنگتن و ریاض بر سر تولید نفت نیز باعث شده تا دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا در تماس تلفنی اخیر خود با محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان، او را تهدید به خروج نیروهای آمریکایی از عربستان کند. تحولات اخیر باعث شده تا «استفان والت» استاد دانشگاه هاروارد و «بری پوزن» استاد مؤسسه تکنولوژی ماساچوست (MIT) که هر دو از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل محسوب می‌شوند، با حضور در یک پنل مجازی که با حمایت «مؤسسه خاورمیانه» در واشگتن برگزار شد، نسبت به کارآمدی رویکرد «رقابت شدید بر سر قدرت» به‌عنوان یک پارادایم جدید برای سیاست خارجی آمریکا ابراز تردید کردند.

والت و پوزن که از حامیان اتخاذ سیاست‌های واقع‌گرایانه در روابط بین‌الملل هستند، استدلال می‌کنند که واشنگتن با ادامه حمایت بی‌قیدوشرط نظامی از متحدان در خاورمیانه، خود را گرفتار نقضی استراتژیک کرده است. استفن والت می‌گوید: «ما روابط ویژه‌ای با مصر، عربستان سعودی، اسرائیل و تا حدی اردن داریم و این متحدان، حمایت بی‌قیدوشرط ایالات متحده را دارند. درهمین حال ما وانمود می‌کردیم که هرگز با ایران وارد مذاکره نخواهیم شد و این به آن معنی است که همین متحدانی که حمایت بی‌قیدوشرط ما را دارند، از نفوذی بیش از ما برخوردار هستند. به معنی دیگر، آنها برای ما تعیین می‌کنند که بدون توجه به منافع خود و صرفا برای تأمین منافع آنها چه اقداماتی باید انجام شود». والت و پوزن درباره موضوع این پنل که «خاورمیانه در عصر قدرت‌های بزرگ» نام داشت، در این مورد اتفاق‌نظر داشتند که سیاست خارجی فعلی ایالات متحده به‌طورقطع باعث ایجاد رقابت میان قدرت‌های بزرگ نخواهد شد. والت با اشاره به سیاست خارجی دولت ترامپ گفت: «اگر شما به موقعیتی که دولت ترامپ در آن قرار دارد نگاه کنید، متوجه خواهید شد که ما هنوز هم نیروهایی در کشورهای خاورمیانه داریم، هنوز هم نظامیان‌مان در ناتو، برابر باطلبی‌های روسیه ایستاده‌اند. با اینکه ترامپ بارها تکرار کرده که دیگر قصد ملت‌سازی نداریم اما نظامیان ما همچنان در افغانستان هم حاضر هستند. باوجوداین تغییراتی ایجاد شده که بیشتر در سبک و شیوه واشنگتن است. فشار کلی سیاست خارجی ایالت متحده کمتر از آنچه مردم تصور می‌کنند، تغییر کرده است».

گزارش وزارت امنیت داخلی آمریکا از عملکرد چین درباره کرونا

پنهان‌کاری برای جبران کمبودها

هم‌زمان با افزایش تنش‌های لفظی میان مقام‌های ایالات متحده و چین بر سر شیوع ویروس کرونا، وزارت امنیت داخلی آمریکا گزارشی ارائه کرده که نشان می‌دهد چین با هدف تأمین نیازمندی‌های بهداشتی و پزشکی خود، در اوایل ژانویه ۲۰۲۰ عمدا اقدام به پنهان‌کاری درباره شیوع ویروس کرونا کرد. آسوشیتدپرس به گزارشی «غیرمحرمانه اما صرفا برای استفاده مقام‌های رسمی» از وزارت امنیت داخلی آمریکا دست یافته که در چهار صفحه تهیه شده و در آن تحلیلگران این نهاد نتیجه‌گیری کرده‌اند که حکومت چین در دو مورد شیوع ویروس کرونا و نیز امکان انتقال انسان به انسان، پنهان‌کاری کرده بود و در این مدت با افزایش واردات و کاهش صادرات تجهیزات پزشکی و بهداشتی قصد داشت تا کمبودهای خود را در این زمینه جبران کند.



حکومت چین در راستای این اقدامات، «محدودیت‌های صادراتی اعمال کرده و انتشار آمارهای تجاری خود را هم به تأخیر انداخته و بر برخی موارد هم اطلاعات مبهم منتشر کرده بود؛ به طوری که آمار واردات و صادرات چین در آن چند هفته روندی غیرمعمول داشته است». سازمان بهداشت جهانی هم با استناد به گزارش غیرواقعی مقام‌های چینی ادعا کرده بود که امکان انتقال اسان به انسان ویروس کرونا وجود ندارد.گزارش آسوشیتدپرس پس از آن منتشر شد که تعدادی از رسانه‌ها با دستیابی به گزارش محرمانه نهادهای امنیتی پنج کشور انگلیسی‌زبان آمریکا، بریتانیا، استرالیا، کانادا و نیوزیلند خبر دادند که چین درباره احتمال سرایت ویروس کرونا از انسان به انسان دروغ گفته است. چین در هفته‌های ابتدای شیوع ویروس کرونا مانع از اطلاع‌رسانی و هشدار پزشکان وهوان درباره این ویروس شد و در نهایت حکومت این کشور ۳۱ دسامبر ۲۰۱۹ درباره شیوع ویروس کرونا به سازمان بهداشت جهانی هشدار داد.

نگاه انتقادی نظریه‌پردازان مطرح بین‌الملل به سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه

واشنگتن دچار نقضی استراتژیک



عکس: Gettyimages

دشمنی‌های همیشگی شده است. روسیه و چین می‌خواهند در خاورمیانه با همه گفت‌وگو کنند. آنها با ایرانی‌ها، اسرائیلی‌ها، عربستان سعودی و مصری‌ها صحبت می‌کنند و این روشی است که باعث می‌شود نفوذ آنها به حداکثر برسد. اما ایالات متحده دقیقاً برعکس عمل می‌کند. واشنگتن با برخی کشورها وارد مذاکره می‌شود و وارد داروسته آنها شده و با دیگران حرفی ندارد.»

پوزن نیز مانند والت بر این عقیده است که حضور نظامی ایالات متحده در خاورمیانه باعث شده تا اهمیت این منطقه به‌شدت تحت تأثیر قرار گیرد و لازم است که این حضور نظامی هرچه زودتر کاهش یابد.

با وجود اینکه پوزن و والت درباره رویکرد هوشمندانه بعدی ایالات متحده برای تأمین منافع خود در منطقه اختلاف‌نظر دارند اما هر دو توافق کردند که منافع اصلی آمریکا در خاورمیانه در جلوگیری از افزایش قدرت برتر یا هژمونی در این منطقه نهفته است. اما در این میان پوزن تأکید می‌کند که تحقق چنین چشم‌اندازی حتی بدون مداخله ایالت متحده در منطقه هم امری بسیار بعید به نظر می‌رسد.

«درحاضر هیچ جایگزین آشکاری برای استیلائی نظامی در منطقه وجود ندارد. عراق و سوریه، دو قدرت از قدرت‌های اصلی جهان عرب هستند که اساسا دیگر به‌عنوان قدرت نظامی مطرح نیستند. مصر هم درگیر ناآرامی و شورش داخلی است. نظر من این است که نه‌تنها آمریکا نیروی نظامی خود را از منطقه بیرون بکشد بلکه به کشورهای تحت حمایت خود در منطقه هم بگویم

که «شما در امنیت کامل هستید و هیچ مشکلی غیر از زخم‌های خودساخته بر بدن ندارید. در چنین شرایطی بهتر است خودتان مسائل داخلی خود را حل کنید. یکی از دلایل انجام چنین اقدامی این است که اهمیت استراتژیک خاورمیانه نه‌تنها برای آمریکا بلکه برای تمام جهان در حال کاهش‌یافتن است.»

پوزن در بخشی دیگر از سخنان خود می‌گوید:

«تنها چیزی که این بخش از جهان را جذاب و مهم می‌کند، نفت است و اما نفت دیگر نه‌تنها کیمیا نیست بلکه یک زهر است. در ۲۰ سال آینده همه جوامع صنعتی باید تلاش کنند تا خود را از این زهر خلاص کنند. بنابراین وظیفه ارتش آمریکا نباید تضمین قیمت پایین چنین زهری باشد که از خاورمیانه می‌آید.»

باین‌حال، هیچ یک از اندیشمندان بدون در نظر گرفتن نتیجه انتخابات ریاست‌جمهوری امسال در آمریکا، چندان امیدوار نیستند که ایالات متحده چنین رویکردی را در آینده نزدیک تغییر دهد. رویکرد دولت ترامپ که یک «هژمونی غریب‌الرب» در پیش گرفته و سیاست خارجی دولت احتمالی بایدن هم تنها در سبک و روش متفاوت خواهد بود و تفاوت چندانی در جوهره و ذات ندارد. با وجود تمایلی که برای تغییرات ایجاد شده، اطمینان دارم که دولت بایدن تلاش می‌کند دوباره موقعیت قبلی ایالات متحده در خاورمیانه را احیا کند و در این راه از برخی ابزارهای لیبرال و همچنین ابزار نظامی سود خواهد جست.»

باین‌حال، والت و پوزن هر دو معتقدند که بحران جهانی فعلی در آن همه‌گیرشدن ویروس کرونا ایجاد شده، فرصتی به قدرت‌های بزرگ برای ارزیابی مجدد نظم جهانی ارائه می‌دهد: افزایش رقابت این بار با قدرت پیشتر، با جست‌وجوی یک رویکرد مشارکتی برای مقابله با چالش‌های مشترک. پوزن می‌گوید: «اگر من سیاست‌مداری مقتدر بودم، احتمالاً به این سؤالات فکر می‌کردم که «آیا شرایط فعلی آخرین فرصت برای فکرکردن به نظم فعلی جهانی است؟ آیا می‌خواهیم نظمی را ادامه دهیم که همچنان در آن شاهد رقابت سطح پایین و همیشگی قدرت‌های بزرگ باشیم یا می‌خواهیم به این فکر کنیم که همکاری و مشارکت می‌تواند نتیجه بهتری در مقابله با چالش‌ها داشته باشد؟ اگر چنین چیزی وجود داشته باشد، از سازمان ملل یا دیگر مؤسسات و نهادهای بین‌المللی حاصل نمی‌شود. بلکه وجود آن به دلیل آن است که گاهی حتی قدرت‌های بزرگ هم با سازماندهی و مشارکت همه‌جانبه توانسته‌اند به پرسش‌ها و چالش‌های امنیتی مهم پاسخ دهند».



نیروهای اهل سنت با هدایت محمد الحلیوسی، رئیس پارلمان عراق و جریان کردی هم که از همان ابتدای رایزنی‌ها برای تشکیل دولت جدید موافقت خود را با کاظمی اعلام کرده بودند و دو گروه عمده سیاسی در معادلات عراق به شمار می‌روند، در روز رای اعتماد به نفع کابینه وارد عمل خواهند شد.

کارشناسان سیاسی می‌گویند که عراق در آستانه سقوط به پرتگاه است و تشکیل دولتی مقتدر به دور از سهم‌خواهی یا پشتیبانی مردمی و همه نیروهای سیاسی ضرورت ملی برای غلبه بر چالش‌هاست. شاید همین دلیل بتواند سران احزاب سیاسی را وادار کند تا از کاظمی در شرایط حساس کنونی که بغداد، هم با بحران کرونا روبه‌روست و هم در حال پشت‌سرگذاشتن اوضاع اقتصادی ناسامعادی است به طور کامل حمایت کنند؛ هرچند که باید منتظر تشکیل جلسه پارلمان ماند؛ جلسه‌ای که در ابتدا قرار بود امروز تشکیل شود، اما به تدریج مخالفت‌ها و به گفته منابع آگاه به پنجشنبه موکول شده است.

نگاه

نگاهی گذرا به چالش‌های پیش‌روی آمریکا و چین

● **ارشک کبانی**؛ کارل یاسپرس، سده ششم قبل از میلاد را با اشاراتی دقیق و تاریخی «عصر محور» نامیده است و می‌گوید: در این سده انسانی پدید آمد که تا به امروز با او زندگی کرده‌ایم و به قول والتر هینتس در این عصر محوری تاریخ جهان، زمین در چنان نوری غرق شد که بیش‌تر هرگز آن را به خود ندیده بود. هرچند هدف نگارنده از آوردن این مطلب قیاس تاریخی شخصیت‌های گذشته با اکنون نبوده اما تحولات اجتماعی حال حاضر موقعیت این قاره که کهن را در جایگاهی استثنائی و تاریخی قرار داده که گویی گرایگاه سیاسی جهان می‌خواهد از قاره‌ای به قاره‌ای دیگر نقل مکان دهد. اکثر تنوعات فرهنگی، مذهبی، قومی و موقعیت ژئوپلیتیکی و منابع عظیم زیرزمینی موجود در خاورمیانه را فاکتور بگیریم، قدرت‌های جهانی و در رأس آنها آمریکا به ناچار باید محتاطانه‌تر به چین و هند صنعتی و مباحث تعیین‌کننده‌ای چون سرنوشت چین تاییه و پیونده دو کره نگاه کنند.

افتراق با اتحاد ۲کره

باوجود تأکید کیم جونگ ایل، رهبر وقت کره شمالی، بر تداوم حضور نیروهای نظامی آمریکا در منطقه و ابراز تمایل کیم جونگ اون، رهبر کنونی این کشور، مبنی بر دیدار و ارتباط مستقیم با دولتمردان آمریکا، اما همواره سیاست رهبران آمریکا در راستای ترغیب کره جنوبی به ایفای نقشی پیشرو در مذاکرات بین دو کره و عدم جایگزینی واشنگتن در این موضوع بوده است که می‌توان به برخی از دلایل آن اشاره کرد؛ نخست، ارتباط مستقیم و بدون واسطه آمریکا با کره‌شمالی سبب تشویش سایر کشورهای منطقه برای امر برنامه تولید تسلیحات هسته‌ای و ترغیب آنها برای نتایج مشابه می‌شود و دوم، حذف کره جنوبی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ذینفعان مذاکره اشتباه است، چراکه نبود سؤل در مذاکرات مستقیم سبب چرخش این کشور به چین و ایجاد تحركات جدی‌تری در منطقه خواهد شد. حال باید اتحاد دو کره را از دو دیدگاه بررسی کرد: اول اینکه روند اتحاد سریع دو کره می‌تواند همان مشکلات عظیمی را که آلمان شرقی در اتحاد با آلمان غربی به آن تحمیل کرد، به وجود آورد. کره شمالی نیز می‌تواند به کره جنوبی این ذهنیت را تحمیل کند که با توجه به وضعیت سیاسی و اقتصادی پیونگیانگ، احتمال فروپاشی آن کشور از درون وجود دارد. ایالات متحده هیچ دلیل بالقوه‌ای برای مخالفت با اتحاد دو کره و عدم حمایت از این مهم ندارد که این استراتژی از یک تفکر کیسینجری نشئت گرفته که سرنوشت قاره آسیا با سرنوشت نیروهای مستقر آمریکایی در امتداد مدار ۳۸ درجه کره خورده است.دوم آنکه اتحاد کره جنوبی صنعتی و کره شمالی هسته‌ای، نوید یک ابرقدرت نوظهور دیگر را در منطقه خواهد داد که صرف نظر از اینکه، سکان رهبری این قدرت جهانی در دست کدامیک از رهبران دو کشور خواهد بود، می‌تواند رويودای تأثیرگذار و بنیادی در تحولات آتی سیاسی و اقتصادی منطقه باشد. کره جنوبی از یکسو متحد بزرگ آمریکا در منطقه بوده و از دیگر سو، هر دو کشور زاین و چین از خاک کره مورد تهاجم تاریخی قرار گرفته‌اند و یکن بیش از گذشته نگران تأثیر ملی‌گرایی کرامی بر اقلیت‌های کرویای ساکن منچوری است.

چین واحد ویک تایوان

از دیدگاه کیسینجر رویکرد چین به مقوله سیاست مبتنی بر احتیاط و تردید است. درصورتی‌که رویکرد آمریکا، خوش‌بینانه و تبلیغی است. براساس شواهد تاریخی قریب به صد سال گذشته همواره خط‌مشی و ایدئولوژی رهبران کاخ سفید مبتنی بر این دیدگاه بوده که هر تلاشی از سوی هر کدام از قدرت‌های جهانی مبنی بر سلطه‌گری و تسلط بر قاره آسیا خلاف منافع ملی آمریکا بوده و واشنگتن به‌شدت با آن مقابله خواهند کرد.سیاست‌های چند دهه گذشته رهبران آمریکا مؤید این موضوع بوده که رویارویی با چین راه چاره نهایی تلقی می‌شود نه انتخاب راهبردی. اما به نظر می‌رسد که تنها این ملی‌گرایی است که می‌تواند بر سر مسئله تایوان به رویارویی چین با ایالات متحده منتهی شود.موضوع تایوان همواره برای پکن جنبه‌ای کاملاً نمادین داشته زیرا تایوان در همان ناحیه‌ای واقع شده که تجزیه چین از آنجا آغاز شده است. کلیه رؤسای جمهوری آمریکا از سال ۱۹۷۲ تاکنون بر پایبندی کشورشان بر سیاست چین متحد تأکید داشته‌اند و صدور اعلامیه مشترک با پکن در سال ۱۹۸۲ طی زمام‌داری دولت رونالد ریگان صریح‌ترین شکل تأیید این سیاست به شمار می‌آید. اما امروزه تایوان به کشوری دموکراتیک و با رونق بزرگ اقتصادی، جایگاه خود را به عنوان نوزدهمین غول اقتصادی در دنیا تثبیت کرده و از چنان سطح بالایی رفاهی و سطح زندگی برخوردار است که دیگر چین و هیچ ابرقدرت دیگر نخواهند توانست به سادگی گذشته سیاست‌های خود را به آن دیکتہ کنند. از سویی دیگر، تماس تلفنی اخیر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، به‌طور مستقیم با رئیس‌جمهور تایوان نیز باعث تنش بیشتر در منطقه شده است و این چنین به نظر می‌رسد که در ماه‌های آینده و در صورت انتخاب مجدد ترامپ، حساسیت بر سر استقلال و جدایی کامل تایوان از خاک چین منجر به کشمکش‌های بزرگ‌تر و به تبع آن تغییرات جغرافیایی و مرزی در این منطقه خواهد شد؛ هرچند سود تمامی ذی‌نفعان و جناح‌های درگیر جلویگری از رسیدن به مرحله انفجار است.